

اندیشه‌های سیاسی – اجتماعی روشنفکران عصر مشروطه –بخش چهارم

## سفرنامه‌ها و روشنفکری

وجود سفرنامه‌های سیاحان خارجی منبع روشنفکری این گروه بوده سفرنامه‌هایی چون سفر نامه کنت دو گوئینو و سفر نامه

ابراهیم بیگ مراغه‌ای نگارندگان این کتب‌با به تصویر کشیدن جامعه ایران در مجموعه تعارضات در فرهنگ، رفتار و شخصیت ایرانیان، آماجگی و پذیرش آنان رابرای رسیدن به اصلاحات مشخص می کردند برای نمونه دو گوئینو به ویژگی‌های هاومسائل محوری جامعه ایران در روند نویسازی اقتصادی واجتماعی توجه داشته است، مثل عدم پرداخت مالیات اصناف به دولت،ملوک‌الطوایفی بودن ساختار سیاسی حکومت ایران، فقدان نظام قانونی، ازهم گسیختگی ساختار اجتماعی، نبود قانون و…کتب سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ کتلی است در نقادی نظامی سیاسی مظفرالدین شاه و به مقایسه عقب‌ماندگی جامعه ایران با شرایط خوب و ترقی سایر کشورهای پرزادو به نوعی زمینه‌ساز افکار روشنفکران در جهت رسیدن به اصلاح و ترقی است.وی در کتاب خود به مشکلات و مصائب ایران پرداخته است. او در این باره به فقر، تنگدستی، ظلم،فقدان آزادی،چهل مردم،فقدان علم ومعرف،فقدان وسایل مدرن و…اشاره می کند.(آزاد امرکی،۱۳۸۷: ۱۳۸– ۱۳۵)

**ب) روشنفکران نسل دوم**

حرکت روشنفکران نسل اول بیشتر متوجه عام‌گرای سیاسی است. نسل اولی‌ها، به اموری که در غرب وجود داشت و به مقایسه با وضعیت ایران آن زمان به عنوان امور عجایب و غرایب تلقی می شد، توجه داشتند. در حالی که نسل دومی‌ها، مسائل اصلی مطرح و مرتبط با حکومت و دربار سلاطین را محور قرار داده‌اند. در مقایسه باروشنفکران نسل اول، این نسل بیشتر به مسائل مرتبط با دربار و حکومت توجه کرده‌اند. سطحی‌نگری وسیاست‌زدگی روشنفکران این دوران آفت اصلی نظام فکری واجتماعی شد. زیرا آن‌ها به صورت عمقی وریشه‌ای مشکلات ساختار اجتماعی ایران را نمی توانستند حل کنند. دیدن یک پل، راه‌آهن، تلگراف خانه… در غرب آن‌ها را در تاسیس و راه‌اندازی عناصر عینی جامعه مدرن در ایران موظف می ساخت.عباس میرزا قائم‌مقام راهانی، امیر کبیر، سیدجمال، طالبوف و آخوندزاده همه در داشتن این ویژگی مشترک‌کند. بازرگانان، روحانیون، تحصیل‌دگاران در فرنگ‌همه از روشنفکران نسل دومند که در تحولات فکری جامعه موثر بودند. آنان آغازگران تناقض‌گویی در نولدیشی ایرانی هستند.نسل دوم بیشتر بر مفاهیمی چون فقدان اموری مانند «قانون»، «آزادی»، «اتحاد اسلام» و «محدودیت اختیارات» به عنوان مشکلات وموانع نویسازی در ایران تاکید کرده و راه‌حل را درطرف موانع دانستند.تشکیل مجلس، تفکیک قوا، گسترش آموزش، اصلاح دربار و حکومت و… پیشینه‌های روشنفکران نسل دوم است. منابهی که روشنفکران نسل دوم به عنوان الگو از آن‌ها استفاده کرده‌اند جریان روشنفکری انقلاب فرانسه،نویسازی اقتصادی وصنعتی ادبیات و گفت‌وگوی سیاسی اروپا و روسیه بوده است. اندیشه نویازی در ایران، بیشتر از اروپا و روسیه وارد ایران شده است و روشنفکران آن دوران ملوک‌خان، سیدجمال اسدآبادی، میرزاآقاخان کرمانی، رسول‌زاده، طالبوف و… بودند. ملوک‌خان و سیدجمال بیشتر از اندیشه نویازی اروپایی تاثیر پذیرفته‌اند.(به دلیل اقلمت در اروپا- فرانسه) و رسول‌زاده و طالبوف بیشتر از اندیشه نویازی روسیه متأثر بوده‌اند.

**● انواع گروه‌های روشنفکری نسل دوم**

روشفکران نسل دوم به سه گروه اصلی تقسیم می شوند(۱) گروه روشنفکران غیررسمی،(۲) گروه روشنفکران رسمی و(۳) روشنفکران جریان اصلاح‌گری دینی.

**الف- روشنفکران غیررسمی**

این گروه رابیشتری می توان در میان سیاستمداران دولتی جست‌وجو کرد. این افراد بیشتر از عناصر طبقه حاکم بوده‌اند که امکان ورود به غرب و آشنایی با ایده‌های غربی را به اشکال گوناگون پیدا کرده‌اند. این نسل دو گروه راستگرا و چپگرا دیده می شود. گروه راستگرا بیشتر در پی حفظ پایبندی نظام سلطنتی بودندو با حر کت‌ا ر تجاعی و واپس گرایی‌به گذشته توجه داشتند. به عبارتی به مدرنیته نگاه می‌دیدندنه داشته‌اند گروه چپگرا با داشتن پایگاه‌اشرفی و درباری و امکان مسافرت به غرب در صدد نویسازی ایران بودند. سیدجمال اسدآبادی، ملوک‌خان، طالبوف، آخوندزاده، میرزای کرمانی، قائم‌مقام، میرزا تقی خان امیر کبیر، و… از شاخص ترین افراد این نسل هستند.(آزاد امرکی، ۱۳۸۰: ۱۶۴- ۱۶۴) در ادامه به معرفی اندیشه بعضی از شاخص ترین افراد این گروه از روشنفکران از قبیل ملک‌خان، میرزا آقاخان کرمانی آخوندزاده می پردازیم.

**۱- اندیشه‌های سیاسی اجتماعی میرزا ملکم خان**

ملکم خان در سال ۱۲۹۴ ه.ق به دنیا آمد. پدر او میرزا یعقوب خان فردی سرشناس و مطلع به امور زمانه اش بود. از ۱۰ سالگی به اروپا رفت و در رشته علوم سیاسی درس خواند وی برای اولین بار خط تلگرافی را بین دارالفنون و قصر شاهی احداث کرد. اصول عقاید ملکم به این پایه بناشده بود که شاه‌اع مدنیّت غریب در سراسر جهان امری است، محتم و تاریخی که موجد سعادت آدمی است. پس شرط فرزاتنگی و خردمندی آن است که آیین تمدن اروپایی را از جان و دل بپذیریم. به عبارتی باید تمام مظاهر مدنیّت غریبی از شیوه‌ها و رسوم اجتماعی گرفته که علوم و فنون را اخذ کرد. ملکم در کار خود هدف سیاسی داشت، که علاوه بر اخذ مظاهر مادی تمدن غریبی مثل ماشین، تلگراف و… شیوه حکومتی را نیز در نظر دولت، قانون گذاری نیز دریافت شود.(اجودانی، ۱۳۸۲: ۲۹۵- ۲۹۱) پس از عزل آقاخان نوری و جانشینی میرزا جعفرخان مشیرالدوله در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، وی برای نخستین بار در ایران هیات دولت را تشکیل داد. او کوشید تا شاه را با اصلاحات نوین آشنا کند. بدین شکل «کتابچه غیبی» یا دفتر تنظیمات را که در آن قواعدی برای اصلاح امور جمله بود، نگاشت. ملکم خان در همین ایام محفل فراموش خانه را به تقلید از لژ فراموسوری فرانسه تشکیل داد که اعضای اصلی اکثرا از تحصیلکردگان جدیدو عده زیادی از رجال دولتی و علما و ادبا بودند. زمانی که گسترش فعالیت ملکم خان خطر ساز شد، فرمان تعطیلی فراموش خانه توسط ناصرالدین شاه اعلام شد. ملکم بعد از تعطیلی فراموش خانه لجنمن سری دیگری را نام «جامع‌الاهمیت» تشکیل داد. وی در این زمان از طریق نوشته‌ها، نامه‌ها، مقالات و پیشینه‌های خود پیوسته برای اصلاح اوضاع ایران تلاش کرد. (گودرزی، ۱۳۸۳: ۱۵۰- ۱۴۹) او از روشنفکرانی است که باتناسی از فضای روشنفکری در اروپا مساله اصلی رادر حوزه سیاسی می دید.«طاعون دولتی»، «بی نظمی»، «بی کفایتی اولیای»، امور از موانع ترقی جامعه ایرانی بود. وی راه دستیابی به تمدن غریب را علم و دانش می داند و تنها راه حل مشکلات جامعه، استقرار قانون است. او بر اساس اسناد و مدار، که تحت تاثیر اندیشه آگوست کنت، «علم گرایی»، «را در مقابل «عقل گرایی» بر گزیده و همراه با آزادی خواهی سیاسی و قانون گرایی که از اندیشه «هونتسکو» اخذ کرد، نظرات خود را در ایران طرح ساخت.

برشی از متن

در هیچ زمانی، نه پیش و نه پس از دولت وی، ایران هرگز آن قدر آزادی نداشت، آن قدر که همه احزاب آزاد بودند و همه نشریات، از توده‌ای گرفته تا نشریات دست راستی – که اکنون به اعتراف ماموران انگلیسی و آمریکایی در ایران، ثابت شده است با بودجه اینتلیجنس سرویس و سیا

Info@ baharnewspaper.com

اداره می شدند – آن قدر آزاد بودند که شب و روز بی محابا هر ناسزایی را که می خواستند نثار شخص نخست‌وزیر و وزرای او، به‌ویژه وزیر خارجه دکتر فاطمی، می کردند؛ آزادی‌ای که حتی در غرب هم دیده نشده است. البته بعضی روزنامه‌های توده‌ای گاه به‌خاطر فحاشی به مقام سلطنت

**گفت‌وگو با خسرو شاکری درباره عملکرد غرب در برابر ایران در دهه ۵۰ میلادی و تاریخ‌نگاری کودتای ۲۸ مرداد**

# نگرانی از تحریف تاریخ



**خسرو شاکری** (ز‏ند) (متولد ۱۳۱۷ در تهران) استاد بازنشسته تاریخ دانشگاه پاریس است. از وی تاکنون کتاب‌های زیادی چون «جمله انقلاب مشروطه» و «انکشاف سوسیال دموکراسی»، «میلاد زخم» درباره جنبش جنگل، کتابی درباره تقی ارانی، «اسناد سوسیال دموکراسی ایران» منتشر شده است.

**شاکری** تا مقطع تحصیلات متوسطه را در ایران گذرانده و سپس لیسانس اقتصاد خود را از دانشگاه دولتی کالیفرنیا و در دانشگاه ایندیانا فوق لیسانس گرفته است. او دارای مدرک دکتری از تاریخ از دانشگاه سوربن فرانسه است. وی از جمله نیروهای فعال سازمان کنفدراسیون جهانی محصلین دانشجویان ایرانی اتحادیه ملی و نیز جبهه ملی بود. شاکری در سال ۱۳۴۳ به نمایندگی از کنفدراسیون در گر ده‌های‌های اتحادیه بین‌المللی دانشجویان که در نیوزیلند و نیز بلغارستان برگزار شد، شرکت کرده است. وی همچنین در سالل ۱۳۴۴ به عنوان یکی از اعضای دبیر خانه کنفدراسیون، مشغول بوده و سپس به عنوان دبیر بین‌المللی کنفدراسیون ملاقات‌هایی را با او تانت – دبیر کل وقت سازمان ملل – به منظور جلب حمایت‌های بین‌المللی از مبارزات دانشجویی علیه رژیم پهلوی کرده است. شاکری در سال ۱۳۵۱ نیز پس از اعدام تعدادی از اعضای سازمان های سیاسی با کورت والدهایم – دبیر کل وقت سازمان ملل – ملاقات کرد و اعتراض کنفدراسیون را به این اقدامات به اطلاع وی رسانید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شاکری به تدریس تاریخ ایران و آسیای باختری در فرانسه مشغول بود و اینک استاد بازنشسته تاریخ موسسه تحقیقات عالی علوم اجتماعی پاریس است. آقای شاکری از تاریخ‌دانان برجسته‌ای است که به چهار زبان مختلف دنیا تسلط داشته و در دانشگاه‌های مختلف اروپا و آمریکا تدریس کرده است. گفت‌وگوی حاضر با وی به بهانه نقدی به آخرین کتاب ویرواند آبراهامیان –کودتای ۱۹۵۲، سیاور بیشه‌های روابط معاصر ایران و آمریکا – طرح مسائلی بیشتر درباره دولت‌ملی دکتر مصدق انجام شده‌است.

**● کتاب اخیر ویرواند آبراهامیان درباره کودتای ۲۸ مرداد را خوانده‌اید، آیا نکته یا نقدی به آن تاریخ‌نگاری دارد؟**

آری. کار آبراهامیان در این اثر نسبت به کارهای پیشین او پیشرفت کرده است. کتاب مفیدی است، اگر چه باید آن را مانند هر کتاب تاریخی باید نقدانه خواند، به‌ویژه در ایران که در فرهنگ تاریخی ما ایرانیان در صد سال اخیر – و این خلاف آمد عادت، پارادوکسال است – نسبت به دوران بیپهتی و مُسکویه بس عقب رفته است.

کتاب آبراهامیان چند بخش دارد. نخست، تشریح دقیق مختصر، اما دقیق مساله نفت و کشمشک دکتر مصدق یا دو دولت بریتانیا و مدارک بر سر کنتر

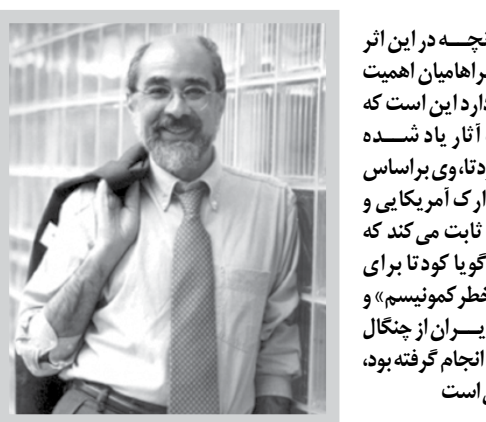
نفت ایران توسط دولت منتخب مردم، نه چنانکه غربیان می‌خواستند، مستقیما به دست شرکت‌های نفت، یا از طریق بانک بین‌المللی. اگر چه این تشریح تازه نیست و پیش از آبراهامیان این کار را به نحوه مفصل‌تری دکتر مصطفی علم در کتاب نفت، قدرت و اصول (تهران، نشر پنداش، ۱۳۷۷) انجام داده است، اما چون آن کتاب بسیار بلند و تا حد زیادی حرفه‌ای است در ایران عنایت زیادی به آن نشد، در حالی که در آمریکا ناشر دانشگاهی اش آن را چند بار به چاپ رساند. اهمیت کتاب آبراهامیان در این است که این امر را خلاصه‌تر و با زبانی آسان‌تر برای خوانندگان تشریح کرده است. بخش دوم آن درباره کودتای ۲۸ مرداد است، که با نکته به اسناد و مدارک غیر قابل انکار ثابت می‌کند که چرا و چگونه این کودتا صورت گرفت. امر کودتا نیز در گذشته برای نخستین بار توسط مارک گاز بورووفسکی (در مقاله منشره در J.MES، ۱۹۷۸) و سپس در کتاب جمعی‌ای که وی با همکاری مالکوم برن (Burne) منتشر کرد، آمده است (که این دومی گویا به فارسی برگ رداخته نشده است، مگر فصلی از آن توسط دکتر فخرالدین مظلمی، زیر عنوان حاکمیت ملی و دشمنان آن؛ پژوهشی در کارنامه مخالفان بومی و بیگانه مصدق، تهران، نگاره آفتاب، ۱۳۸۳). کار آبراهامیان در موضوع کودتا باز این تفاوت را دارد که این موضوع را بسیار جمع و جو‌تر تشریح کرده است و برای خواننده ایرانی غیر حرفه‌ای سهل‌الدرک است.

آنچه در این اثر آبراهامیان اهمیت درجه اول دارد این است که، برخلاف آثا یاد شده در بالا پیرامون کودتا، وی بر اساس اسناد و مدارک آمریکایی و بریتانیایی ثابت می‌کند که این تز که گویا کودتا برای مقابله با «خطر کمونیسم» و «نجات ایران از چنگال کمونیسم» انجام گرفته بود، تز نادرستی است؛ بلکه، بر عکس، علت کودتا این بود که مصدق طی دو سال مذاکره پیرامون کنترل نفت (از مرحه استخراج تا فروش آن بنابر قیمت بازار جهانی) که در دست ایران بماند، یعنی اصل حاکمیت ملی ایران که اصل و روح قانون ملی کردن نفت بود، می‌خواست حقوق ایران کاملا رعایت شود، در حالی که بریتانیا و انگلستان از طریق انواع فرمول‌های حيله‌گرانه می‌خواستند کنترل نفت را در دست خود بگیرند و تنها به ایران در آمد کمی بیشتر بپردازند – درست همان فرمولی که در قرارداد کنسر سیموم به دولت دست‌نشانده کوتا دیده شد. البته، این نخستین باری نیست که این تز مطرح می‌شود زیرا دکتر مصطفی علم در کتاب فوق‌الذکر خود به این تز، هر چند مختصر، پرداخته است.

**● شما در کتاب «غروب شوکت قوام السلطنه» در فصل هفتم، به مساله کودتای ۲۸ مرداد پرداختید، این طور که پیداست، تحقیقات شما نیز نشان می‌دهد که دلیل اصلی انگلیس و آمریکا خطر کمونیسم در ایران نبود**

**و در حقیقت «خطر سرخ»، سرپوشی برای عملیات آژاکس بود؟**

آری، من نیز در کتابی که ژانویه ۲۰۱۳ منتشر کردم (خ. شاکری، استالین و ترومن: غروب شوکت قوام «جناب اشرف». نقدی بر تاریخ‌نگاری ایدئولوژیک، آلمان، دو جلد ۷۹۲، صفحه/ aqavamstwi@gmail.com) همین تز را مفصلا طرح و تحلیل کردم و با نکته به اسناد بریتانیا، آمریکا و فرانسه نشان دادم که علت اساسی کودتا همان منافع چرچیل هم در زمان جنگ دوم، با اعلان وضعیت فوق‌العاده، همه قوانین اساسی کشور را معلق اعلام کرد و بالاخره محمدرشاهشاه هم، که هیچ اختیار قانونی برای فراندوم نداشت، در زمستان ۱۳۴۳/۱۹۶۳ با برگزاری فراندومی اصلاحات ارضی و غیره خود را به رای ملت گذاشت. بنابراین، اقدام به فراندوم توسط



**آنچه در این اثر**

**آبراهامیان اهمیت**

**درجه اول دارد این است که**

**بر خلاف آثار یاد شده**

**پیرامون کودتای وی بر اساس**

**اسناد و مدارک آمریکایی و**

**بریتانیایی ثابت می‌کند که**

**این تز که گویا کودتا برای**

**«نجات ایران از چنگال**

**کمونیسم» انجام گرفته بود،**

**تز نادرستی است**

**نگوینخانه، دکتر**

**کانونزیان توجه**

**نمی‌کند که گیر تمام قضیه در**

**همین جاست. اگر مصدق،**

**مثلا پیشینه‌های آمریکاییان**

**را در بر سپردن آن کشور شخص**

**فروش نفت را به بانک**

**بین‌المللی می‌سپرد، او قانون**

**ملی کردن نفت و لذا اصل**

**حاکمیت ملی ما را بر منابع**

**طبیعی کشور نقض می‌کرد و**

**حیثیت نهضت را به باد می‌داد**



دکتر مصدق اirdای حقوقی نداشت. تنها اirdای که می‌توان به مصدق گرفت این است که – به‌خاطر پرهیز از زد و خورد بین موافقان و مخالفان انحلال مجلس – محل‌های اخذ رأی را از هم جدا کرد. با این همه تفاوت

از آن قدر زیاد بود که نمی‌توان گفت این وضع استثنایی کوچکت‌ترین تقریری در نتیجه آن داشت.
**● تحقیقات نشان می‌دهد که پس از کسب سمت نخست‌وزیری، اولین بخشنامه صادر شده از جانب دکتر مصدق به شهربانی (با رونوشت به دادگستری)، تاکید به آزادی بیان داشت و این که مطبوعات به خاطر هر گونه انتقاد یا دشنام به مقام رییس دولت، به هیچ وجه تحت تعقیب قرار نگیرند.** در آن دوره کسب سانسور مطبوعات در قلمرو کار شهربانی بود و مسئولیت آن با شخصی به نام «محرم علی‌خان» بود که به‌وسیله دکتر مصدق بر کنار شد. آیا به این دلیل مصدق در استخرج و تاریخ معاصر مظهر استقلال و دموکراسی شناخته شده است؟

در هیچ زمانی، نه پیش و نه پس از دولت وی، ایران هرگز آن قدر آزادی نداشت، آن قدر که همه احزاب آزاد بودند و همه نشریات، از توده‌ای گرفته تا نشریات دست راستی – که

اکنون به اعتراف ماموران انگلیسی و آمریکایی در ایران، ثابت شده است با بودجه اینتلیجنس سرویس و سیا اداره می‌شدند – آن قدر آزاد بودند که شب و روز بی محابا هر ناسزایی را که می‌خواستند نثار شخص نخست‌وزیر و وزرای او، به‌ویژه وزیر خارجه دکتر فاطمی، می‌کردند؛ آزادی‌ای که حتی در غرب هم دیده نشده‌است. البته بعضی روزنامه‌های توده‌ای گاه به‌خاطر فحاشی به مقام سلطنت ک قوانین کشور قدغن بود) توسط مقامات آمریکایی توقیف، اما فرد همان‌ها با نام‌های دیگری منتشر می‌شدند (مثلا: به‌سوی آینده ← رزم‌آوران). لذا، نق‌های توده‌ای‌ها از آن زمان تاکنون علیه دکتر مصدق ناعادلانه بود چراکه او در این امر مسئولیتی نداشت.

**● آبراهامیان متعجب است که هما کانونزیان هم از دکتر مصدق انتقاد می‌کند (ص ۱۶۳) که چرا آخرین پیشهاد شرکت استعماری نفت انگلیس را قبول نکرد، که در اثر سوء سیاست نفتی دکتر مصدق، وضع اقتصادی کشور خراب شد، نظر شما چیست؟**

این نوع استدلال نادرست است و جز بقایای تبلیغات کاذبانه دولت‌های بریتانیا و ایالات متحده آمریکا و روزنامه‌های آن کشورها نیست، چه، چنان که در بالا رفت، نه فقط گزارش‌های محرمانه آن دو دولت در آن زمان نشان می‌دهند که مصدق توانست در برابر بایکوت اقتصادی و نفتی بریتانیا و آمریکا سیاست‌هایی